

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید عطا

۱۱/۰۲/۰۶

وقتی تاریخ تکرار میشود و زمین به هم می پیوندد

اراده ندارم در فلسفه تاریخ و مفاهیم آن بپیچم ، اما میخواهم در وقایع تاریخی؛ در دو زمان و دو مکان مختلف از هم نگاهی داشته باشم . وقایعی که یکی از آنها را در این روزها از پشت پرده های جهانمای موسوم به تلویزیون همچو میلیونها انسان دیگر به تماشا نشسته ام ، و دیگری را سالها قبل با تمام وجودم با سر دست و پا همراهی میکردم. شاید کمتر کسی باشد که از حوادثی که در کشور مصر و در میدانی موسوم به میدان تحریر (آزادی) رخ میدهد خبر نباشد. توده های ملیونی مردم بدون اینکه توسط حزب ویا گروه معینی رهبری شوند به راه افتیده اند و در مقابل یکی از رژیم های دیکتاتوری که شاید هر چیزی در آن باشد به جز احترام به کرامت شهروند عادی غیر وابسته به حزب حاکم، همصدا شده اند : "ما دیگر نمیخواهیم تا حسنی مبارک و حزبی که با تزویر و تهدید حدود سی سال بر ما حکومت میکنند ما را زجر دهند..."

این حرکت که به تاریخ ۲۵ جنوری ۲۰۱۱ توسط عده ای از جوانان با احساس و تحصیلکرده شروع شد، به زودی از سوی اقشار مختلف سیاسی و اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته و توانست در کمتر از یک هفته ملیونها انسان مصری را به همدیگر در یکصدا پیوند دهد : **حسنی مبارک باید برود !**

حسنی مبارک و پسرانش که در صحبتهایشان همیشه خود را وابسته به طبقه محروم و از مدافعین طبقه کم درآمد معرفی میکردند، ثروت شان توسط منابع مستقلی، در ظرف چند دهه معدود تا **هفتاد میلیارد دلار!** در خارج از مصر رقم زده شده ، ولی در مقابل تقریباً ۴۰ % مردم مصر زیر خط فقر وبا در آمدی در حد دو دلار در روز قرار دارند.

وقتی این وقایع را می بینم نا خود آگاه مرابا خود به سی سال قبل میکشانند ، به آن زمانی که من هم در صحنه بودم و دیدم آنچه دیدم . می بینم چقدر وقایع به هم شبیه اند....حوادث مربوط به کشور خود را با این وقایع کمی مقایسه می کنم می بینم تا چه حدی تشابهی در حوادث این دو مرحله تاریخی قرار دارد.

زمان حاضر در مصر :

- * - مردم و به خصوص نسل جوان به صورت خود جوش گرد هم آمده اند و یکصدا به ضد این رژیم دیکتاتور شعار میدهند.
- * - گروههای سیاسی با رنگ های گونه گون آن همدست و هم صدا پیرامون شعار بلند شده توسط جوانان آزاده جمع شده اند.
- * - تظاهر کنندگان دست خالی ولی با احساس قوی و شجاعت تمام علیه نیروی منظم و مسلح قرار دارند.
- * - قوای پولیس با بیرحمی تمام علیه مردم وارد عمل شده و در کمتر از یک هفته قرار گرفته مسؤولی در سازمان ملل متحد، تا ۳۰۰ تظاهر کننده را به قتل رسانیده اند. هزاران انسان معترض بر ظلم و تعدی این حکومت را به زندان افکندند.
- * - اعضای مربوط به حزب حسنی مبارک با لباس های شخصی دست به کار شده اقدام به دستگیری، لت و کوب و حتی قتل متظاهرين کردند.
- * - قوای استخباراتی که ستون فقرات رژیم های استبدادی را تشکیل میدهد به شدت وارد میدان شده علیه مردم دست به کار شدند. دستگاه های استخباراتی در چنین رژیم ها جز شکنجه شهروندان و حفظ رژیمی که با زور و تزویر برشانه های ملت نشسته اند، کار دیگری ندارند..
- * - اتهام تظاهر کنندگان به اینکه از سوی نیروهای خارجی و بیگانه تحریک میشوند تا سرحد اینکه وسایل اطلاعاتی رسمی در مصر تظاهر کنندگان را به اسرائیل ارتباط دادند ، اسرائیلی که وزیر خارجه اش از "برنده" (بالکن) حکومت آقای حسنی مبارک در حالیکه وزیر خارجه حسنی مبارک در پهلوی بود علیه غزه ، خلاف اراده مردم عامه مصر اعلان جنگ داد. اسرائیلی که به خاطر روی مبارکشان، حسنی مبارک ملتش را در گرسنگی قرار میداد ولی گاز مصر را به نرخ بارها نازل تر از نرخ اصلی آن برایشان میداد. اسرائیلی که نزدیکترین دوستان و شرکای رژیم مصر بودند.
- * - کوشش برای بدنام کردن تظاهر کنندگان، طوریکه توسط جواسیس شان اسلحه و بعضی از نشرات را داخل ساحه تجمع متظاهرين کرده تا بعدا دست آویزی از آن برای سرکوب مخالفان خود قرار دهند.
- * - نشر اطلاعات مغلو ط و دروغین توسط وسائل اطلاعات جمعی رسمی و نیمه رسمی مرتبط به حکومت.
- * - به دور نگه داشتن خبرنگاران آزاد و سرکوب آنها به تهمت های متنوع.
- * - استفاده از ماموران دولتی و معاش بگیران با تهدید و تطمیع که باید به دفاع از رژیم بدر شوند. چنانچه به اساس گزارشات نشر شده به روز چهارشنبه ۲۰۱۱/۰۲/۰۲ کار فرمایان فابریکات و مسؤولین وزارت خانه ها به کارگران و مامورین خود امر کردند تا به حمایت از رژیم و حسنی مبارک در کنار افراد استخباراتی و اجیر وارد میدان شوند.
- * - کوشش برای جابه جا کردن اسلحه در میان متظاهرين تا بعد تر با صحنه سازی کشف اسلحه ، دستاویزی برای سرکوب مظاهره کنندگان به دست داشته باشند. اما مظاهره کنندگان با بیداری که داشتند موتري مملو از اسلحه را کشف کردند که میخواست به محل مظاهره چیان داخل شود.
- * - برجسب زدن متظاهرين به وابستگی با خارجی ها و دشمنان وطن!! .
- * - بیگانه پرستی خود رژیم تا حدی که گاز مصر را به قیمت پائین تر از خرچ استخراج ان یعنی **۷۵ سنت** برای اسرائیل در بدل حمایت اسرائیل و امریکا از رژیم حسنی مبارک به فروش میرسانند، در حالیکه قیمت اصلی همان مقدار در بازار عادی ۱۰ دلار میباشد.

اینها پدیده هائی اند که در تظاهرات مردمی (بدور از احتکار احزاب سیاسی) مصر خیلی واضح به چشم میرسد.

آنها در افغانستان

سی سال و اندی قبل که با کودتای خونین، حزبی وابسته به دیگران بر کرسی قدرت پرید، افغانستان هم چیزی شد که مردم مصر امروز در مصر با اختلافاتی در شکلیات محدود آن میچشند. مظاهره مردم در میدان آزادی قاهره مرا به یاد یکی از دهها مظاهراتی انداخت که در کابل و ولایات رخ میداد و به شکل وحشیانه توسط رژیم سرکوب میشد.

سال ۱۳۵۹ هجری شمسی و یکی از روزهای بین ۹ - ۱۳ ماه ثور بود، (با تأسف که روز دقیق آن فراموش شده است) حوالی ظهر محصلان که من هم جزئی از آنان بودم در بیرون تجمعات کوچکی را تشکیل داده بودند که آهسته آهسته روبه ازدیاد میرفت (جریان وقایعی که من شاهد آن بودم در ساحه میان فاکولته های ساینس، فارمسی، طب از یکسو و فاکولته های حقوق، شرعیات، دیپارتمنت انگلیسی ادبیات و شفاخانه علی آباد وقت رخ میداد) صداهائی بلند شد: ما استقلال می خواهیم ما آزادی می خواهیم مرگ بر اشغالگران و تجمع بزرگتر شده میرفت و به دادن شعار ها ادامه دادند... و در آنجا دیدیم :

گروههای خود کش و بیگانه پرست وابسته به حزب حاکم که در پوهنتون کابل دائما در میان محصلان در کمین صید جوانان آگاه و با شعور و عاشق به وطن بودند وارد صحنه شده و با همکاری نیروهای مسلح نظامی به لت و کوب و دستگیری محصلان پرداختند. چون نیروی نسل جوان و آگاه بزرگترین خطر برای هر غاصب و خائن به حساب می آید، دولت وقت میخواست تا این صداها را در گلوی جوانان خفه سازد و با استفاده از صدای هیبتناک طیاره های جنگی که با پروازهای پائین خود سرو صدای مهیبی تولید میکرد، محصلان آزاده را ترهیب و وابستگان آن رژیم را ترغیب میکردند. فیر هائی به گوش رسید ، ندانستم که چه خون های پاکی توسط دستان خبیثی به زمین ریخت، محصلان پراکنده شدند ، عده ای دستگیر و عده ای هم به هر گوشه در ساحه پوهنتون متواری شدند. اما دشمنان مردم در کمین جوانان نشسته بودند .

بعد از عصر که فکر میکردم وضع آرام شده است خواستم با تغییر راه معمولی، از راهی که به فاکولته انجینیری می رود از ساحه پوهنتون خارج و به خانه بیایم . در نزدیکی فاکولته انجینیری جمعی از بیگانه پرستان دستور توقف برایم دادند و بعد از تلاشی دقیق مرا به داخل فاکولته بردند. در آنجا چند نفر دیگری را هم دیدم که بدام ! افتیده اند. باز هم تلاشی و سپس شروع سؤال و جواب.

ساعت بین ۷ - ۸ شام بود که مارا به یکی از سالون های فاکولته اقتصاد بردند، دیدم تعداد زیادی از محصلان دستگیر شده در آن سالون هستند. منشی کمیته حزبی پوهنتون (که اکنون حتما برای برپائی دیموکراسی ، آزادی بیان و حقوق بشر خود را به جیب دشمنان سابقه و اربابان جدید چسبانیده) و چند یار و دستیارش در سٹیژ قرار گرفتند. منشی صاحب شروع به صحبت کرد، از مزایای رژیم ، از انقلاب و دست آوردهای آن از امپریالیزم جهانخواار و آله دستانشان (که ما بدون شک به گمان وی جزء آن بودیم) از برادری و دوستی شوروی و قوای موجود آن در افغانستان و نیروی حزب و و بالاخره با طمطراق از اسناد قاطعی صحبت کرد که به گفته او نشان میداد ما را دشمنان وطن و امپریالیزم جهانی به حرکت در آورده است.

علاقه شدیدی به من دست داد تا بدانم که این سند چه است که وابستگی عده ای از ما (و بنزد او همه ما) را به دستگاه های استخباراتی غربی ثابت میسازد... و جناب رهبر حزبی یکی از بزرگترین کانون های علمی کشور، دستی به جیب برده و کاغذی را با دستش بلند کرده به حاضران نشان داد. من ندانستم که آن سند چه است، تا اینکه خودش با صدای تحکم آمیزی گفت: این پولی است که از جیب یکی از شما پیدا کردیم! این مارک است پولی که برای شما داده میشود تا علیه دولت و انقلاب دسیسه سازی کنید....، هرگز باورم نمیشد که بانکوتی سبب باشد تا انسانی را به جاسوس بودن متهم نمایند، کمی وجدانم آرام شد که در بین ما انشاءالله جواسیس و اله دستان خارجی نخواهد بود. و اگر باشند هم، در آن بالا روی ستیژ قرار دارند و یا هم در اطراف ما که با سلاح مارا مواظبت میکنند.

آروز و آن موج حمله بر محصلان بی دفاع که جز قلم و کتاب چیزی نداشتند با دیدن صحنه هائی از مظاهره جوانان در میدان آزادی قاهره دوباره به خاطرم نوده زد و مرا با خود به عمق عمر گذشته ام ببرد.

با دیدن وقایع در مصر **تشابهات** زیادی را بین حرکت کنونی مردم مصر در میدان آزادی قاهره و دیگر شهرهای مصر و در کل وضعیت سیاسی مصر با حرکت جوانان محصل و دانش آموز در مکاتب و پوهنتون کابل و در مجموع مقاومت مردمی افغانها در برابر قوای شوروی و مزدوران حاکمشان بر افغانستان برایم ترسیم کرد:

- توده های مردمی با تمام انواع و اقسام تفکر سیاسی و اجتماعی همدست شده اند همه یکپیز میخوانند! و آن سقوط رژیمی که به زور بیگانگان بر اریکه قدرت اند و با توده های مردمی ارتباطی ندارند.
- سند کشی و اتهام به چیز هائی که خودشان تا گلو در آن غرق اند ولی فرزندان شریف وطن را به آن متهم میکنند.
- استفاده از نیروی فاسد حزبی و بیگانه پرست برای سرکوب آزادی خواهان.
- قرار داشتن اکثریت مردم به ضد رژیم، اما بوق های رسانه ئی رژیم داد میکشند که مردم ما را میخواهند!
- استفاده از تمام قوت های دست داشته به شمول قوت های زمینی و هوائی برای سرکوب متظاهرين.
- اتکاء بر نیروی استخباراتی جهنمی که بسا اوقات یاد آوری آن مهره کمر را به صدا میکشانند.
- اتهام مخالفین به وابستگی با نیروهای خارجی و دشمن.
- گروگان گرفتن کارگران و مأموران دولتی را در لقمه نانیشان که باید برای به دست آوردن آن از اوامر رژیم تبعیت کرده و برای رژیم صحنه آرائی کنند.
- قساوت در برابر مخالفین، و هر نظر مخالف را در نطفه نابود کردن.
- قدسیت بخشیدن به رهبر به گونه ای که تنها از برکت او است که اگر کل جهان نه، حد اقل چهار گوشه کشور در ناز و نعمت! اند. چیزی را که اتباع نافهم در افغانستان به رهبران خود نسبت میدادند و در مصر هم به حسنی مبارک. تا جاییکه در جواب سؤالی که چرا برایش نائبی نمیگیرد؟ گفتند تا حال در مصر چنین شخصی که بتواند توان چنین مقامی را داشته باشد، پیدا نشده است. چیزی که به همه هموطنان اهانتی بود ژرف.
- حکومتها و رژیمهای ۱۰۰% دست نشانده در افغانستان از زمان کودتای ۱۳۵۷ به بعد با فیصله های صد در صدی به پایان میرسید. در مصر هم تا قریب به صد فیصده رسیده بود و اگر برای دوره بعدی امتداد می یافت شاید رژیم حسنی مبارک هم از صد در صدی به حساب می آمد گرچه در اطراف خود چند گروه به نام مخالف را نیز برای دیکور نگاه کرده بود.

- در افغانستان که کشور مُصدِر گاز طبیعی بود شاید ۹۹٪ مردم ما گاز را ندیده بودند که چگونه از آن استفاده میشود. این گاز برای روسها طبق گذارشاتى که در آنزمان نشر شد هر هزار متر مکعب گاز مارا به **۷۰ دالر** به فروش میرساندند در حالیکه در بازار قیمت آن تا ۳۰۰ دلار میرسید.

- دست شستن اربابان از رژیم های مزدورشان زمانی که دانستند برایشان درد سر تولید میکند تا منفعت. **اما آنچه فرق بین این دو رژیم** میتواند باشد بارز ترین نقطه آن اینست که در افغانستان رژیم بناء به گفته عامه ، توسط سیستم مارکسیستی جهانی به وجود آمده، تقویه و حمایه میشد. اما در مصر توسط سیستم ضد آن یعنی آنچه به نام امپریالیزم جهانخوار نامیده میشود به پا نگه داشته میشد.

در اینجا نباید فراموش کرد که در میان راه هر حرکت مردمی فرصت طلبان، سود جویان و بهره کشان از خون دیگران، در سطح کشور وخارج از کشور سر و قد بالا میکنند **که در میان این سود جویان، رژیم استبدادی صفوی ایران از ماورای صحرا ها و بحر ها قد بلندی نموده به قسمی که خامنه ای و دیگر رهبران آن، این حرکت ملی و مردمی را میخواهند به نام خود رقم زنند و آنرا امتدادی از انقلاب ایران بدانند. در حالیکه رژیم ایران بعد دیگری از مثلث شوم ؛ رژیم نابود شده در افغانستان وحکومت در حال زوال مصر و این رژیم صفوی میباشد.** باهمه اینها گردانندگان این حرکت ملی و طرفداران آن در مصر به صورت مستقیم و غیر مستقیم به شدت گفته های طفیلی رهبران ایران را رد کردند.

شباهت های رژیم ایران با رژیم سرنگون شده در افغانستان و رژیم در حال فروپاشی مبارک در مصر را هر صاحب فکری میتواند به زودی درک کند. به نظر من رژیم ایران هرگز خواهان وجود یک کشور مستقل و متکی به خود را در نزدیکی هایش نمیتواند باشد زیرا در آن حالت مردم در منطقه میدانند که آنچه را به نام انقلاب در ایران به خورد مردم میدهند جز قطعه قلبی و دروغین از انقلاب و حاکمیت مردمی نیست.